کتاب شناسی: مدیریت دارایی‏های نفتی اوپک؛ ثروت‏های بادآورده و تهدیدات

جهانگیر آموزگار

ریچارد گوردن؛حسنعلی مهران

نویسنده کتاب که یک ایرانی است،با توجه به‏ سوابق کاری خود بخصوص در صندوق بین المللی‏ پول،اقدام به نوشتن و انتشار این کتاب در مورد اوپک و کشورهای عضو آن کرده است.معرفی و نقد این کتاب‏ تقریبا به طور هم زمان،توسط آقای گوردن( nodroG )در نشریه تخصصی ehT ygrenE lanruoJ و آقای مهران در ماهنامه ecnaniF tnempoleveD به رشته تحریر درآمده‏ است.

در این کتاب،آقای جهانگیر آموزگار ابتدا به‏ معرفی اولیه از اوپک و اهداف آن می‏پردازد که به نظر آقای گوردن،موضوعات مطروحه در بخش اهداف، خالی از ایراد و اشکال نیست؛بخصوص در آنجا که‏ ایشان لیستی از اهداف بلند مدت و آرمانی اوپک برای‏ دستیابی به توسعه پایدار و امنیت ملی کشورهای عضو را ارائه می‏کند.

آقای مهران که او نیز به کتاب،نقدی زده است‏ ابتدا در معرفی آموزگار چنین ابراز می‏کند که ایشان در یک دوره زمانی،خود وزیر امور اقتصاد و دارایی یکی‏ از اعضای اوپک یعنی ایران(پیش از انقلاب اسلامی) بوده است.درهمین جا ذکر این نکته ضروری است که‏ آقای مهران مرتکب خطا شده،جهانگیر آموزگار را به‏ جای جمشید آموزگار که پس از وزارت خود به سمت‏ نخست وزیری منصوب شد گرفته است.

نکته جالب‏ (به تصویر صفحه مراجعه شود) توجه در دو نقد ارائه شده،معرفی و نگرش انتقاد آمیزهای‏ گوردن و نقد مثبت و تحسین آمیز آقای مهران از کتاب‏ است.در اینجا و با توجه به معرفی کامل‏تر کتاب توسط آقای گوردن(صرف نظر از تفاوت نگرش در نقد)مطالب‏ او در مورد کتاب مدیریت دارایی‏های نفتی،ارائه می‏شود.

آموزگارز در کتاب خود پش‏ساز بیان مفاهیم اولیه و مباحث مقدماتی،در بخش دوم به ارائه چارچوب مبانی‏ تحلیلی کتاب مب‏پردازد که البته در عمل آن را به کار نگرفته‏ است.

بحث ایشان درباره دریافت‏ها(درآمدها)،با یک اشتباه‏ خنده‏آور شروع می‏شود[ناقد،از بیان مبسوط این اشتباه‏ امتناع ورزیده است‏].

فصل سوم کتاب یک مرور نه چندان رضایت بخش‏ از تاریخچه اوپک است.البته باز هم،نگارش ایشان گرفتار همان بیانات شعار گونه و در عین حال سؤال برانگیز می‏شود که البته این معضل،در سراسر مباحث کتاب سایه افکنده‏ است.همچنین این بخش از کتاب،فاقد چارچوب‏های‏ اقتصادی لازم در بیان موضوعات مطروحه است.

آموزگار،نقطه اساسی و مطروحه اصلی بحث خود را از صفحه 48 کتاب شروع می‏کند که مربوط به بررسی و تحلیل چگونگی استفاده از درآمدهای نفتی است.

فصل چهارم،خلاصه‏ای از شرایط موجود در سیزده‏ کشور عضو اوپک را ارائه می‏کند[با توجه به این که دوره‏ مطالعه مربوط به سال‏های 1973 تا 1994 است،از گابن و اکوادور نیز به عنوان اعضای اوپک یاد شده است‏].

فصل پنجم،در رابطه با خصوصیات،مدیریت و رفتار اقتصادی در هر یک از کشورهای عضو بحث می‏کند. مجموع‏مندرجات در مورد هر یک کشور به 10 صفحه‏ نمی‏رسد.

فصل بعدی،تحلیل مقایسه‏اس از فعالیت‏های‏ کشورهای عضو در هشت مورد که شامل امور زیر بنایی‏ تا فعالیت‏هایی است که مربوط به حفظ منابع‏ طبیعی و محیط زیست می‏شود.

فصل هفتم که فصل پایانی کتاب است مربوط به ارزیابی نویسنده از عملکرد کشورهای عضو در حیطه‏ای است که در فصول قبل مورد بحث واقع نشده‏ است.نویسنده خلاصه‏ای از مباحث‏مندرج در کتاب‏ را پس از فصل آخر،متذکر می‏شود.

آقای گوردن سپس چنین ادامه می‏دهد:ایده اصلی که‏ در این کتاب در اختیار خوانندگان گذاشته شده است.بیان‏ برخی تحلیل‏ها و تبیین ضوابطی برای کشور به کشور در وجموعه اوپک است که باید گفت که این همه،جملگی رؤیا و ایده‏های دست نیافتنی و جاه طلبانه‏ای برای کشورهای‏ مزبور است.گوردن،کتاب را بیشتر از آنکه یک تحقیق‏ در علوم اقتصاد انرژی بداند،یک نوشته و یا بیانیه در سطح‏ مطالب ژورنالیستی ارزیابی می‏کند.

تنها نکته‏ای را که گوردن در تعریف از کتاب ابزار می‏کند،چارچوب ظاهری کتاب است که در آن آراستگی‏ و نکته سنجی نگارنده را می‏توان ملاحظه کرد.تحلیل‏ نهایی آقای گوردن از کتاب این است که اگر عده‏ای‏ بخواهند ر موضوعات و مباحث مورد نظر کتاب،به‏ یک آگاهی سطحی و سریع دست پیدا کنند و تحلیل‏های‏ ناقص و بعضا نا درست آن را در نظر نگیرند،می‏تواند مفید فایده باشد.

در قیاس با این بیان،آقای مهران در نقد خود مطالعه آن را برای کلیه دانشجویان رشته اقتصاد سیاسی‏ ضروری و لازم می‏داند.نکته جالب توجه دیگری که‏ در نقد آقای مهران از کتاب به چشم می‏خورد،بیان‏ 10 عاملی است که در بیان آقای آموزگار پیرامون راه‏ موفقیت کشورهای عضو اوپک در نیل به رشد و توسعه‏ مطلوب اقتصادی بیان شده که به این منوال است:1- جمعیت کم(به طور نسبی)و یا لا اقل،نرخ پایین رشد جمعیت‏2-نرخ رشد بالا در هر دو بخش سرمایه‏های‏ فیزیکی و انسانی(به طور نسبی)،3-پایین نگه داشتن‏ هزینه‏ها و مصارف دولتی،4-تعدیل حداقل حقوق‏ و دستمزدها،5-تعدیل و تنظیم امور به شکل دقیق با توجه به قوس‏های صعودی و نزولی درآمدهای نفتی، 6-تقویت فرهنگ‏های ملی و حمایت از عوامل پذیرای‏ ریسک،7-سازماندهی بازارهای داخلی،8-به کارگیری‏ انرژی‏های جایگزین،9-عدالت نسبی در توزیع درآمد 10-بر سر کار بودن دولت‏های کار آمد و کارا.

در مجموع اگر بخواهیم نامی بر نقد هر یک از این ناقدان بر کتاب بنهیم آنچه را که آقای گوردن به رشته‏ تحریر درآورده است«نا سزا نامه»یک فرد دانشگاهی‏ از یکی دانشگاه‏های پنسیلوانیای امریکا به آقای‏ آموزگار بوده و نوشتار آقای مهران نیز یک‏ معرفی و نقد کاملا«جانبدارانه»است.